



نبرد سرنوشت؛

قیام خونخواهان

مجموعه پیام های تبیینی پیرامون
جنگ دوم اسرائیل و آمریکا با ایران





 payamenehzat.ir

 @ paiaamenehzat

فهرست

۴	پیام اول	مضمون محوری در تشییع رهبر شهید، مسئله خونخواهی است.
۵	پیام دوم	سوگواری در تشییع از جنس حماسه و برانگیزاننده حس انتقام و خونخواهی است.
۶	پیام سوم	روح خونخواهی باید توسط تشییع کنندگان زنده شود نه صرفاً با تبلیغات محیطی!
۷	پیام چهارم	شعار خونخواهی در تشییع، بهترین فرصت برای ورود به مرحله جدیدی از تخصص با آمریکاست.
۸	پیام پنجم	فریاد خونخواهی مردم در تشییع، احیای حکم شرعی وجوب قصاص قاتل امام است.
۹	پیام ششم	سوء استفاده جناحی از شعار خونخواهی زمینه‌ای برای برای به محاق بردن این آرمان خواهد شد.
۱۰	پیام هفتم	فریاد خونخواهی مردم در مراسم تشییع، فراندومی دیگر برای آینده روابط ما با آمریکاست.
۱۱	پیام هشتم	روایت درست از خونخواهی مردم، وظیفه مهم رسانه‌ها برای بازنامایی صحیح مراسم تشییع است.
۱۲	پیام نهم	به همراه داشتن پرچم سرخ توسط تشییع‌کنندگان بهترین نماد بصری از خونخواهی است.
۱۳	پیام دهم	شعار یا لثارات الحسین رنگ و بوی جدیدی به خونخواهی رهبر انقلاب داده است.
۱۴	پیام یازدهم	زمینه اصلی در بعثت ملت ایران، خون امام شهید بوده است.
۱۵	پیام دوازدهم	فریادهای خونخواهانه مردم در مراسم تشییع، لیبیک به دستور رهبر انقلاب به قوه قضاییه بود.
۱۶	پیام سیزدهم	تشییع باشکوه رهبر انقلاب، الهام بخش جهان اسلام و جبهه مقاومت برای انتقام است.
۱۷	پیام چهاردهم	فریاد خونخواهی در مراسم تشییع به مثابه اعلام آمادگی برای مشارکت در فرآیند تحقق آن است.

مضمون محوری در تشییع رهبر شهید، مسئله خونخواهی است.

تشییع پیکر شخصیت‌های تراز اول و فضای عمومی شکل‌گرفته حول آن همواره بستری برای طرح خواست‌های عمومی ملت‌ها بوده است. در این بزنگاه‌های نادر، غم و خشم از عمق جان مردم به سطح می‌آید و تمام شعارها، اشک‌ها و مشتهای گره‌خورده حول یک مضمون یگانه به وحدت می‌رسد. در تشییع پیکر مطهر رهبر انقلاب اسلامی، آیت‌الله شهید سیدعلی خامنه‌ای، این



مضمون یگانه بی‌تردید خونخواهی است. شهادت ایشان که با طراحی و اقدام مستقیم جبهه آمریکایی-صهیونیستی رقم خورده، انتقام خون مبارکشان را به محوری‌ترین خواسته بدل خواهد ساخت و تشییع را از یک آیین سوگ صرف به فراندومی عظیم برای قصاص تبدیل می‌کند. در چنین تشییعی، جمعیت میلیونی که پیکر رهبر شهید را بر دوش می‌کشند، هر گام خود را فریادی برای خونخواهی می‌دانند. این خواست عمومی، ریشه در یک عاطفه زودگذر ندارد؛ برخاسته از یک منطق عمیق اعتقادی و ملی است که ترور سردمدار مقاومت را بی‌پاسخ نمی‌پذیرد. مادرانی که فرزندان‌شان را با تصویر رهبر شهید به میدان می‌آورند، جوانانی که مشتهای خود را رو به آسمان می‌فشرند و پیرانی که با چشمان اشک‌بار فریاد انتقام، انتقام سر می‌دهند، همگی یک پیام روشن را مخابره می‌کنند: خون مظلوم رهبر شهید نباید پایمال شود و باید دست انتقام ملت از آستین حاکمیت و عناصر صالحه بیرون آید! این اجماع نظر که در موج انسانی تشییع متجلی می‌شود، از هر نظرسنجی و تحلیل سیاسی گویاتر است.

دولت و کلیت نظام اسلامی در برابر این خواست فراگیر، وظیفه‌ای گریزناپذیر دارند. ملت با حضور بی‌سابقه خود در تشییع، حکم و مأموریت خونخواهی را صادر خواهد کرد و حاکمیت موظف است گوش به فرمان این اراده جمعی باشد. ضمانت اجرای چنین مطالبه‌ای اعتماد و پیوندی است که میان امت و امامت برقرار است. خونخواهی شهید ایران به عنوان پایتخت مقاومت، عملیاتی شدن یک وعده الهی و مطالبه تاریخی تمام آزادگان جهان است. دستگاه‌های مسئول، از میدان دیپلماسی تا عرصه میدانی، باید سریع و قاطع مسیر انتقام را هموار سازند و بهای این جنایت بزرگ را از عاملان و آمران آن بازستانند.

سوگواری در تشییع از جنس حماسه و برانگیزاننده

حس انتقام و خونخواهی است.



برخی مردم تصور می‌کنند مراسم تشییع رهبر شهید، صرفاً یک آیین سوگواری معمولی است که مردم عزادار می‌خواهند بغض خودشان را خالی کنند؛ اما واقعیت این است که این تجمع، از جنس حماسه و ایستادگی است. هنگام تشییع مردم برای بدرقه‌ی رهبر شهیدشان به خیابان می‌آیند، فقط داغ دلشان را خالی نمی‌کنند، بلکه دارند پیامی

روشن به دشمن می‌دهند. دشمن تصور می‌کرد با حذف رهبر، محاسباتش درست از آب درمی‌آید و مردم از میدان خارج می‌شوند. اما این مراسم، دقیقاً عکس آن را ثابت می‌کند. این تشییع، یک «اعلام حضور» است. هر کسی که در این جمعیت است، با حضورش دارد می‌گوید که مسیر خونخواهی رهبرش، فراموش شدنی نیست.

این سوگواری، موتور محرک حس انتقام است. مردم در این مراسم، فقط عزادار نیستند؛ آن‌ها مطالبه‌گرو خونخواهند. حضور میلیونی تشییع‌کنندگان نشان خواهد داد که اراده‌ی جمعی مردم، تحت تأثیر این ترورها قرار نگرفته، بلکه برای گرفتن تقاص، منسجم‌تر شده است. در این چارچوب، هر گام شرکت‌کنندگان، پیامی صریح و مقتدرانه به عاملان این جنایت است که فرایند خونخواهی، نه تنها متوقف نشده، بلکه در لایه‌های عمیق اجتماعی و سیاسی، بازتولید و تشدید شده است.

در محاسبات سیاسی، این مراسم یک پیام صریح است: شما با شهادت رهبر، راه را برای انفعال مردم باز نکردید، بلکه حس خونخواهی را در جامعه نهادینه کردید. این یعنی ما برای گرفتن حقدمان، نه تنها عقب نمی‌نشینیم، بلکه حالا که رهبرمان به شهادت رسیده، حساسیت و خونخواهی برای مجازات عاملان بیشتر هم شده است. این مراسم، صرفاً پایان یک دوره نیست، بلکه نقطه شروع دوران خونخواهی جدی‌تر است. دشمن باید بداند که این سوگواری، سوخت حرکت بعدی ما برای انتقام از قاتلان رهبر شهید و فرماندهان و مردمان بیگناهمان است.

روح خونخواهی باید توسط تشیع کنندگان زنده شود نه صرفاً با تبلیغات محیطی!

در آستانه تشیع پیکر مطهر رهبر شهید انقلاب اسلامی، یک آسیب جدی ممکن است وجود داشته باشد، تقلیل این خواست عظیم به تبلیغات محیطی و سفارشی رسمی. برخی نگاه‌های عادت‌کرده به کارهای کلیشه‌ای گمان می‌برند با نصب چند بنر بزرگ، انتشار پوسترهای متحدالشکل با شعارهای از پیش تعیین‌شده و فضاسازی‌ها، وظیفه سنگین زنده‌سازی روح



خون خواهی به سرانجام رسیده است. این نگاه مکانیکی از درک ماهیت واقعی یک تشیع تاریخی عاجز است و آن را به پروژه‌ای ویتروینی فرو می‌کاهد.

حقیقت میدان به گونه‌ای دیگر رقم خواهد خورد. ممکن است کسانی بخواهند با تکیه بر همین تبلیغات محیطی کنترل‌شده، جامعه خشمگین و خون‌خواه را مدیریت کنند و فروش میلیونی را در قالب شعارهای از پیش نوشته‌شده مهار نمایند. گویی این انتظار وجود دارد که مردم صرفاً تماشاگر یک نمایش از پیش طراحی‌شده باشند و مطالبه خون‌خواهی آن‌ها را پوسترها و استندهای جشن‌واره‌ای حل شود. اما تشیع یک رهبر ترور شده توسط جبهه آمریکایی-صهیونیستی، عرصه بروز خودجوش اراده‌های شخصی و جمعی است؛ عرصه‌ای که عناصر انسانی حاضر در آن، با قلب‌های آکنده از غم و خشم، حاملان اصلی روح خون‌خواهی هستند. این انسان‌ها هستند که با حضور حماسی خود، با فریادهایی که از عمق جان برمی‌آورند و با اشک‌هایی که بر گونه‌ها جاری می‌شود، انتقام را به یک مطالبه زنده، تپنده و غیرقابل چشم‌پوشی تبدیل می‌کنند.

عنصر انسانی حاضر در تشیع، روح خون‌خواهی را زنده می‌کند. مردان و زنان داغ‌دیده، با چشمان اشک بار و مشت‌های گره کرده، هر یک به تنهایی قدرتی فراتر از هزاران متر مربع تبلیغات محیطی دارند. گرمای ایمان و خشم مقدس این جمعیت است که مطالبه قصاص را از یک مفهوم انتزاعی به نیرویی واقعی و پیش‌رونده بدل می‌سازد. تبلیغات محیطی در بهترین حالت بستری برای انسجام ظاهری است، اما این انسان‌ها هستند که با اخلاص و عاطفه عمیق خود، روح خون‌خواهی را در کالبد تاریخ جاری می‌سازند و آن را به ودیعه‌ای ماندگار برای نسل‌های بعد مبدل می‌کنند. تکیه صرف بر کارهای ویتروینی، خیانت به خون شهید و نادیده گرفتن جوهره انسانی این قیام بزرگ است.

شعار خونخواهی در تشییع، بهترین فرصت برای ورود به مرحله جدیدی از تخاصم با آمریکا است.



دشمنی آمریکا با ما دشمنی رأس نظام سلطه جهانی است که می‌خواهد ما را مُنقاد و عبرت سایرین سازد و هرگونه داعیه استقلال و خروج از رابطه انحصاری سلطه‌گر-سلطه‌پذیر را در اذهان «امکان‌زدایی» کند. حال آنکه کشور ما برای استقلال، هزینه‌های بسیار داده، به راحتی از آن دست برنمی‌دارد گرچه به خاطر هجوم رسانه‌ای بوق‌های غربی یا حتی جریان غرب‌گرای داخلی، نوعی سستی

و تردید مقطعی در بخشی از ملت و در بعضی از عرصه‌ها ایجاد شده است. اینک اما شهادت رهبر دینی امت اسلامی و نیز اهالی غیور و مظلوممان، خون غیرت و عزت را به شدتی مضاعف در رگ‌های هویت استقلال‌خواه و مقتدر ایرانی به گردش درآورده، سخن از خون‌خواهی را که مفهومی اصیل و شناخته‌شده و کارآمد در ذهنیت انسان شیعه و مسلمان ایرانی است، به فریاد بدل کرده است. در این میانه، لحظه وداع و تشییع رهبر شهید می‌تواند این خون‌خواهی را به یک اراده مستمر بدل ساخته، ما را به شروع مرحله جدیدی از سست کردن نظام سلطه آمریکایی موفق سازد، چراکه:

- دیدن عظمت تشییع میلیونی، قدرتی مضاعف و اعتماد به نفسی ویژه بیش از پیش ایجاد خواهد کرد و نقطه شکل‌گیری یک میثاق ملی-دینی عظیم برای تداوم قدرتمند مسیر ایشان خواهد شد.
- با مقاومت قهرمانانه و عقب‌راندن اراده دشمن برای تغییر نظام، متکی بر ابزارهای راهبردی قدرتمندی چون حضور خیابانی و توان کنترل تنگه هرمز، احساس توان و اعتماد به نفس ملی افزایش یافته، همگان خواهان تثبیت این سطح جدید از توانمندی بوده، هزینه‌های آن را پذیرا هستند و لحظه تشییع درواقع اعلان این عزم عمومی است.
- رهبر شهید در میان همگان ولو بسیاری از مخالفان پیشینشان، اینک به نماد وحدت ملی و مقاومت دینی ایران بدل شده، میان پرچم و رهبر پیوستگی عمیقی در اذهان ایجاد کرده‌اند؛ همان رهبری که حیات مستقل خودشکوفای داخلی را بیرون از دایره پذیرش هرگونه زورگویی خواهان بود.
- در میان جریان غرب‌گرا بسیاری به خود آمده، پوک بودن بسیاری از شعارهای غربی را فریاد می‌زنند و این همراهی، تأخیر و تردید حرکت جمعی را حداقلی خواهد کرد.

فریاد خونخواهی مردم در تشییع، احیای حکم شرعی وجوب قصاص قاتل امام است.

در صد و بیست شب حضور مستمر مردم در صحنه، یکی از مطالبات اصلی، فریاد خونخواهی و اجرای قصاص برای قاتلان رهبر شهید انقلاب و عاملان جنایات است و این خط درست تا تشییع رهبر شهید و پس از آن ادامه خواهد داشت. قصاص و خونخواهی برگرفته از اصیل ترین منابع اسلامی است و به همین دلیل است که رهبر انقلاب، خبرگان ملت و مراجع عظام تقلید شیعه بر اجرای آن تاکید



داشته اند. در ادبیات شیعه، قصاص و خون خواهی دو مرتبه قابل تفکیک است؛ پیامبر اسلام پس از صلح حدیبیه، به کشته شدن سفیر خود حارث بن عمیر، توسط امیر بصری، به مجازات افراد اکتفا نکرد و لشکر موته را برای خونخواهی تجهیز نمود. پس از واقعه کربلا نیز قاتلان سید الشهداء توسط مختار قصاص شدند اما با این وجود شعار یا لثارات الحسین در میان شیعه تا زمان ظهور باقی مانده است و باقی خواهد ماند.

اکتفاء به هرکدام از این دو و چشم پوشی از دیگری مسیری نادرست است؛ در شرایط کنونی، اگر به دنبال قصاص نباشیم و خونخواهی صرفاً در تثبیت مباحث راهبردی مانند پیشرفت کشور یا تغییر نظم منطقه ای تفسیر گردد، ایران تا ابد زیر سایه تهدید خواهد بود. از بین رفتن قدرت بازدارندگی قصاص سبب می شود رهبران امروز و آینده ایران ناچار شوند در مخفیگاه بمانند. کما اینکه در همین روزها شاهد هستیم رئیس مجلس تهدید شده است. یسرائیل کاتس نیز به صراحت اعلام کرده رهبر جدید ایران در لیست ترور قرار گرفته است. این مواضع وقیحانه ثابت می کند چشم پوشی از مجازات عاملان ترور، مستقیماً امنیت کشور و مقامات را هدف قرار می دهد و ناامنی را گسترش می دهد. خط خونخواهی و قصاص می بایست با قدرت دنبال شود و مردم مبعوث شده با فریاد خونخواهی خود تا کنون نگذاشته اند که این حکم قطعی اسلامی فراموش شود و بعد از این هم نخواهند گذاشت؛ خون پاک رهبر شهید انقلاب و کودکان مدرسه میناب و شهدای لامرد و هسته ای و مدافعان میهن از خاطرة ملت پاک نخواهد شد.

سوء استفاده جناحی از شعار خونخواهی زمینه‌ای برای برای به محاق بردن این آرمان خواهد شد.

رخداد تاریخی تشییع رهبر شهید انقلاب اسلامی، حادثه‌ای ملی است و به عموم مردم ایران تعلق دارد و همه مردم ایران در این رویداد بزرگ مطالبه خونخواهی امام شهیدشان را دارند. مضمون انتقام در مراسم تشییع، مضمونی فراگیر است که جمعیت ده‌ها میلیونی مردم ایران در تهران، قم و مشهد و همچنین مردم عراق، با وجود سلايق سیاسی متنوع و تکثر اجتماعی و سیاسی و قومی، خواهان آن هستند. یکی از مخاطراتی که می‌تواند این آرمان بلند را تحت الشعاع قرار دهد، ایجاد روایت و تصویری از تشییع است که این مطالبه‌ی دینی و ملی را به عنوان خواسته‌ی گروهی خاص و نه عموم مردم فروبکاهد. به عبارتی دیگر، فروکاستن خونخواهی از یک مطالبه‌ی فراگیر و عمومی به یک مطالبه‌ی فرقه‌ای، از مخاطراتی است که می‌بایست در مراسم تشییع از آن پرهیز کرد.

یکی از بسترهای غلطی که می‌تواند شعار خونخواهی را مخدوش نماید و تصویر آن را از یک مطالبه‌ی ملی به یک مطالبه‌ی گروهی فروبکاهد، استفاده از شعار خونخواهی علیه گروه‌های سیاسی درون کشور است. تاختن به یک جریان یا حزب سیاسی، تخریب مسئولان و کارگزاران فعلی کشور یا به طور خاص هجمه به تیم مذاکره‌کننده در بستر شعار خونخواهی، خطایی راهبردی است که ضمن برانگیختن نزاع‌های سیاسی و اجتماعی در مراسم تشییع، سرمایه‌ی اجتماعی انتقام و خونخواهی را به محاق می‌برد. صدا البته انتقام و خونخواهی به مثابه یک شعار ملی و امتی، مضمونی بی‌اقتضا نیست و معانی و دلالت‌های سیاسی روشنی دارد که نظام رسانه‌ای کشور باید به آن بپردازد، اما تطبیق عجولانه‌ی آن به افراد و شخصیت‌های سیاسی و استفاده از مراسم تشییع به عنوان بستری برای ایجاد فشار بر گروه‌های سیاسی کشور، رویکردی مخرب است. نخبگان فکری و سیاسی انقلاب اسلامی، باید با رعایت ظرافت‌های سیاسی و اجتماعی و با لحاظ سرمایه‌ی اجتماعی ده‌ها میلیونی خونخواه رهبر شهید، معنا و مضمون خونخواهی و انتقام رهبر شهید را بدون تطبیق و مصداق‌یابی عجولانه، در افکار عمومی مردم ایران تثبیت نماید.

فریاد خونخواهی مردم در مراسم تشییع، رفراندومی دیگر برای آینده روابط ما با آمریکاست.

تشییع باشکوه رهبر انقلاب، خیابان‌های ایران را به دریایی از پرچم‌های سرخ و فریادهای خونخواهی تبدیل خواهد کرد. این رویداد را می‌توان آزمونی برای یک رفراندوم ملی و همه‌پرسی بی‌واسطه از افشار مختلف مردم دانست که در آن، تکلیف آینده روابط خود با ایالات متحده آمریکا را برای همیشه روشن خواهند کرد. نخستین و مهم‌ترین پیام این رفراندوم،



ابطال قطعی روایت شکاف بین ملت و حکومت خواهد بود. دشمن سال‌ها با عملیات روانی، تصویر جدایی مردم از نظام را در بستر رسانه برساخته و متاسفانه افرادی در داخل نیز همواره بر آن دمیده و از رفراندوم سخن به میان می‌آوردند. این اجتماع میلیونی مردم با پرچم‌های خونخواهی، می‌تواند سندی غیرقابل انکار از همراهی ملت با سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی باشد که در مسأله محوری دشمنی با آمریکا، به یک تعیین تکلیف صریح رسیده‌اند و حضور آنها به مثابه یک مصوبه ملی از نهاد مردم، دست تصمیم‌گیران نظام را برای تداوم راهبرد تقابل و انتقام از دشمن مستکبر باز خواهد گذاشت. برخی جریان‌های داخلی ممکن است در پس پرده، مایل به کاهش تنش با آمریکا باشند. اما خروش میلیونی مردم، می‌تواند هرگونه چراغ سبز به سوی مصالحه با دشمن شماره یک و قاتلین امام شهید را جلوگیری نماید. با این تشییع، دشمنی با آمریکا از سطح یک سیاست رسمی، به یک فرهنگ عمومی و یک خواست مردمی ارتقا خواهد یافت و آمریکاستیزی در قلب و فریاد میلیون‌ها انسان جاری خواهد شد. درواقع این رفراندوم، هرگونه راه سوم بین سازش و مقاومت را نیز خواهد بست. مردم با فریاد خونخواهی، تنها مسیر انتقام را برگزیدند و سیاست خارجی ایران در قبال آمریکا، از این پس تنها در چارچوب این مطالبه عمومی مشروعیت خواهد داشت.

در عرصه بین‌المللی نیز، تصاویر میلیون‌ها انسان خشمگین می‌تواند یک مجوز اخلاقی و حقوقی جهانی برای انتقام سخت صادر کند. این خواست عمومی ملت ایران، در دادگاه افکار عمومی جهان، مشروعیت هرگونه اقدام تلافی‌جویانه‌ای را تثبیت می‌کند. در نهایت، این رفراندوم تاریخی با تعیین تکلیف قاطع، هرگونه «راه سوم» میان سازش و مقاومت را بست. سیاست خارجی جمهوری اسلامی در قبال آمریکا، از این پس تنها در چارچوب این مطالبه روشن و انقلابی مردم مشروعیت خواهد داشت: انتقام، و نه یک کلمه کمتر.

روایت درست از خونخواهی مردم، وظیفه مهم رسانه ها برای بازنمایی صحیح مراسم تشییع است.



اجتماع عظیمی که در سرتاسر کشور به انتظار برگزاری مراسم تشییع رهبر شهید انقلاب مانده است، یک ایده اساسی را در تشییع دنبال خواهد کرد و آن خونخواهی امام است. این آخرین ملاقات مردم ایران با رهبر شهید است، همان وداعی است که در اندیشه ملت ایران به آخرین بیعت با

امام تفسیر می شود و در این معنا، آنچه برایشان قدم اول در تحقق بخشی به این بیعت محسوب می شود، وقوع خونخواهی امامشان است که ضامن امنیت و قدرت رهبر فعلی انقلاب می شود و در غیر این صورت، دائماً ناامنی، خطر ترور و سوءقصد در کمین عالی ترین رتبه سیاسی کشور و امام جامعه باقی می ماند. از این جهت روایت کلیه رسانه ها از جمله رسانه ملی، خبرگزاری ها و روزنامه ها و چهره های رسانه ای در شبکه ها و پلتفرم ها، باید به گونه ای مطالبه ملی خونخواهی ایرانیان در تشییع رهبر شهیدشان را پوشش دهد که به معانی جدیدی تأویل نرود و یا محور اجتماع به گونه ای دیگر روایت نشود. محور اجتماع در مراسم تدفین چیزی جز خونخواهی امام شهید نخواهد بود و معنایی که مردم ایران برای خونخواهی در نظر دارند، اگرچه در بلندمدت به اهدافی همچون اخراج آمریکا از منطقه، ازاله رژیم صهیونیستی و اهداف این چنین منجر خواهد شد، اما شرط تحقق این اهداف بلندمدت در قصاص قاتلین امام است و چنانچه روایت این خونخواهی به آرمان هایی دیگر حواله داده شود و شرط تحقق آنها نادیده گرفته شود، واقعیت مطالبه ملی مردم به حاشیه رفته است و اراده مردم مبعوث، به رسمیت شمرده نشده است. بنابراین اگر پوشش این مراسمات با غلبه معنای خونخواهی در مصداق قصاص قاتلین امام، در دستور کار رسانه ها قرار بگیرد، می تواند زمینه های اجتماعی و سیاسی و خصوصاً بین المللی بسیار کاربردی در جهت تحقق این هدف الهی و انسانی ایفا کند.

به همراه داشتن پرچم سرخ توسط تشیع‌کنندگان بهترین نماد بصری از خونخواهی است.

نمادها و رنگ‌ها از دیرباز نقش ویژه‌ای در انتقال پیام‌های جمعی داشته‌اند. در دنیای امروز که عصر رسانه است، هر گروه و جماعتی برای اظهار عقاید، گفتمان‌ها، اهداف و پیام‌های خود از پرچم استفاده می‌کند. در اجتماعات بزرگ و رسانه‌ای که تصاویر آن در سراسر جهان منتشر می‌شود، یکی از بهترین راه‌های انتقال پیام، استفاده از پرچم‌هایی با رنگ‌های خاص است؛ زیرا پرچم‌ها زبانی فراملی دارند و برای همگان قابل فهم‌اند. پرچم سرخ از



دیرباز در میان اقوام و ملل مختلف، به‌ویژه در میان گروه‌های مسلمان، نشانه خونخواهی و انتقام بوده است. شیعیان نیز در مراسم عاشورایی، برای اظهار خونخواهی امام حسین (علیه السلام) و شهدای کربلا، از این پرچم بهره فراوان برده‌اند.

اکنون که مراسم میلیونی بدرقه امام شهیدمان توسط عاشقان و خون‌خواهان او در آستانه برگزاری است، یکی از بهترین ابزارها برای اظهار این خونخواهی، پرچم سرخ است. اثر و نمود رسانه‌ای پرچم‌های سرخ در انتقال روایت خونخواهی مردم حاضر در مراسم، بسیار فراگیرتر از شعارها، دست‌نوشته‌ها و دیگر نمادها خواهد بود. از همین رو لازم است تمهیدات مناسبی برای تهیه و توزیع پرچم سرخ در میان مردم فراهم شود و مردم نیز به این کار تشویق گردند، تا این گفتمان و مطالبه که مورد تأکید مکرر رهبر عالی‌قدر، آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای است، به‌صورت گسترده و فراگیر اظهار و پیگیری شود. هر یک از مردم حاضر در مراسم تشییع، با در دست داشتن پرچم سرخ می‌تواند پیام خونخواهی، انتقام و عدم سازش با قاتلان امام شهید را به شکلی گویا به چشم و گوش مسئولان داخلی و رسانه‌های خارجی برساند و فریادگر مطالبه برحق رهبر عالی‌قدر مبنی بر خونخواهی و انتقام رهبر شهید باشد.

شعار یا لثارات الحسین به دلیل تقارن تشیع با ایام محرم رنگ و بوی جدیدی به خونخواهی رهبر انقلاب داده است.



تقارن ماه محرم با حوادث این روزهای کشور، سبب شکل گیری پیوندهای معناداری در انواع گفتارپردازی‌ها پیرامون خون خواهی رهبر شهید انقلاب شده است و شعاع آن از منابر و گفتگوهای کارشناسی تا پلاکاردنویسی و شعاردهی در تجمعات گسترش یافته است. این امر به ویژه از روز عاشورا با اهتزاز پرچم سرخ یا لثارات الحسین همراه با تصویر مشتمل گر گرفته رهبر انقلاب، به نمادپردازی‌های خون خواهی رهبر شهید نیز تسری یافت و امروز شاهد شکل گیری اراده‌ای از خون خواهی رهبر شهید در سطح کشور هستیم که نیرو گرفته از باورهای اصیل شیعی است. بنابراین پرچم سرخ یا لثارات الحسین که از دل حافظه دینی-تاریخی و یک غم کهنه شیعی برخاسته است، با کارکرد نمادین و بصری احساس برانگیزی که دارد می‌تواند رنگ و بوی خاصی در مراسم تشییع رهبر شهید ایجاد کند. تماشای اهتزاز گسترده پرچم انتقام در سرتاسر مسیر تشییع، ترسی عمیق در چشم دشمنان

انقلاب و اسلام در می‌افکند و علم به دستانی که این پرچم سرخ را حمل می‌کنند، تجربه‌ای خاص از خونخواهی را با دستان خود لمس خواهند کرد. برافراشتن پرچم سرخ در ماه محرم، یادآور پرچم سرخ حرم مطهر امام حسین (ع) است که همه شیعیان را به یاد منتقم آل محمد (ص) می‌اندازد، لذا اهتزاز این نماد دینی در تشییع، احساس خون خواهی دوچندانی در مسلمین ایجاد خواهد کرد و انگیزه خون خواهی اباعبدالله که در دل مسلمین است و به دست مهدی آل محمد محقق می‌شود را زمینه‌ای برای تحقق بخشی به خون خواهی رهبر شهیدشان می‌کند. از این رو گسترش نمادهای استعاری خون خواهی کارکردی روحی در ایجاد زمینه‌های تحقق انتقام خواهد داشت.

زمینه اصلی در بعثت ملت ایران، خون امام شهید بوده است.

امام شهید در آخرین سخنرانی های خود، با شناخت دقیق از ظرفیت های درونی جامعه، تأکید کردند که اگر حادثه ای رخ دهد، خداوند این ملت را مبعوث خواهد کرد. با شهادت رهبر معظم انقلاب در ۹ اسفند ۱۴۰۵، دستگاه محاسباتی دشمن بر این باور بود که جامعه دچار حیرت، سردرگمی و تزلزل خواهد شد. اما مردم ایران دچار حیرت نگردیدند و حتی برای لحظه ای در آرمان های انقلاب تردید نکردند و از مسیر آن دست نکشیدند. نمود عینی این ثبات قدم، خلق حماسه ای کم نظیر بلافاصله پس از شهادت ایشان بود. حضور مستمر، آگاهانه و میدانی مردم در خیابان ها و میادین به مدت ۱۲۰ شب متوالی، اتفاقی است که تحلیل های رایج جامعه شناختی را به چالش می کشد.



این حضور طولانی مدت، صرفاً یک سوگواری مقطعی نبود؛ یک کنش فعال سیاسی برای تثبیت خطوط قرمز، جلوگیری از هرگونه انحراف و حفظ انسجام ملی در یکی از ملتهب ترین مقاطع تاریخی کشور به شمار می رفت.

از نظر تحلیلی، این سطح از استقامت و حضور خیابانی شبانه روزی را تنها می توان در قالب همان مفهوم «بعثت» که مقام معظم رهبری فرموده بودند، تفسیر کرد. بعثت در اینجا به معنای بیداری عمیق، ارتقای بلوغ سیاسی و عبور جامعه از یک شوک بزرگ به سمت یک اراده متراکم و هدفمند است. ملتی که در اوج مصیبت، ابتکار عمل را در دست می گیرد و به مدت حدود چهار ماه نیز خیابان را برای حفظ دستاوردهای انقلاب در اختیار دارد، عملاً یک رستاخیز اجتماعی را رقم زده است. از این روست که گفته می شود زمینه اصلی این بعثت تاریخی، خون امام شهید بوده است. خون ایشان شوک ناشی از فقدان را به انرژی مقاومت تبدیل کرد و زمینه ساز بیداری و خیزشی شد که بقای آرمان های انقلاب را در برابر هرگونه انفعال یا تهدید تضمین می کند.

فریادهای خونخواهانه مردم در مراسم تشییع، لبیک به دستور رهبر انقلاب به قوه قضائیه بود.

رهبر انقلاب از نخستین روزهای حضور خود در جایگاه رهبری، مسئله خونخواهی را مطرح کردند و آن را پیوسته دنبال می کنند. ایشان در اولین پیام خود با طرح موضوع خونخواهی و انتقام، به همگان اطمینان دادند که این اتفاق قطعی است و انجام خواهد پذیرفت. در آن متن تصریح شد که انتقام مد نظر، محدود به شهادت رهبر پیشین نیست و از دست رفتن جان هر یک از شهروندان توسط دشمن، موضوعی مستقل برای پرونده انتقام به شمار می رود. همچنین تأکید شد که تا زمان تحقق این امر، پرونده انتقام باز می ماند و

نسبت به ریخته شدن خون کودکان حساسیت بیشتری اعمال می شود.

ایشان در پیام خود به مناسبت چهلیم شهادت امام شهید فرمودند که ملت ایران اگرچه با پایان گرفتن مدت عزای رسمی، جامه عزاز را از تن بیرون می آورد، اما عزم بر انتقام خون ایشان و شهدای جنگ تحمیلی دوم و سوم را در روح و قلب خود زنده نگه می دارد و مترصد تحقق آن خواهد بود. در بخش دیگری از این پیام ذکر شد که غرامت صدمات و خون بهای شهیدان طلب خواهد شد و متجاوزین رهانمی شوند.

در پیام به مناسبت هفته قوه قضائیه، رهبری دوباره به این مسئله تأکید کردند و فرمودند پیگیری حقوق تشییع شده ملت در اثر جنایات متجاوزان جهانی، از مسائل حقوقی در این زمان است. ایشان یادآور شدند که خون شهدای مظلوم، پرونده های حقوقی متعددی را تشکیل می دهد که باید در محاکم قضائی داخلی و بین المللی دنبال شود. طبق فرموده ایشان، گریبان جنایتکاران را بایستی گرفت و آنان را به سزای اعمالشان رساند و این امر نیازمند پیگیری تا وصول حکم و واگذاری اجرای آن به عناصر صالحه است. خونخواهی و تحقق قصاص عاملان و جنایتکاران آمریکایی و صهیونی، نیازمند پشتیبانی و حضور میدانی جامعه است. تحقق این مسیر با همراهی آحاد مردم میسر می شود. این خونخواهی توسط مردم در تشییع انجام خواهد شد و فریادهای خونخواهانه مردم در مراسم تشییع، لبیک به دستور رهبر انقلاب به قوه قضائیه خواهد بود.



رسانه رهبر انقلاب اسلامی

@Rahbarenghelab_



از جمله یکی از مهمترین مسائل حقوقی و قضائی مربوط به همه ی ملت ایران در این برهه ی زمانی، پیگیری و احقاق حقوق تشییع شده ی آنان در اثر جنایات مجرمان بین المللی و مستکبران و تجاوزکاران جهانی بخصوص در سالهای ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ می باشد.

۷/۷ تیر/۱۴۰۵، ۲:۴۱ بعد از ظهر

تشییع باشکوه رهبر انقلاب، الهام بخش جهان اسلام و جبهه مقاومت برای انتقام است.

از آنجا که امام شهید، رهبر و معمار جبهه مقاومت، مرجع شیعیان، عالم برجسته جهان اسلام و الگوی آزادگان جهان بودند، ترور و شهادت ایشان یک موضوع فراملی بوده که به تبع، مسئله انتقام و خونخواهی ایشان نیز یک موضوع فراملی و بین المللی است. با توجه به پیش بینی حضور میلیون ها عزادار در مراسم تشییع قائد شهید، برجسته بودن



شعار خونخواهی، تأثیر شگرفی در ایجاد حس انتقام در جبهه مقاومت، امت اسلام و دیگر آزادی خواهان جهان خواهد داشت. تبدیل موضوع خونخواهی و آرمان انتقام به یک مسئله مهم در جبهه مقاومت و جهان اسلام، علاوه بر تسریع و تسهیل قتل قاتلان امام، یک موضوع راهبردی بسیار مهم با پیامدهای تحولی است. موضوعی که در صورت فراگیری آن، ثمرات مهمی از جمله افزایش بازدارندگی برای حفظ جان رهبر معظم انقلاب، مراجع دینی و سران جبهه مقاومت؛ افزایش بازدارندگی برای حملات زیرساختی و اتمی به کشور؛ همچنین افزایش بازدارندگی نسبت به حمله به سرزمین های اسلامی، بالا رفتن هزینه هتک حرمت مقدسات دینی، تقویت یکپارچگی و وحدت ساحات در جبهه مقاومت، تقویت غیرت دینی در امت اسلامی، تثبیت هرچه بیشتر جایگاه ایران به عنوان محور بلوک مقاومت و... را به دنبال خواهد داشت. فراگیری شعار انتقام، خون تازه ای در رگ های امت اسلامی خواهد دمید و ظرفیت و انرژی پدید آمده از این شعار، پیشرفت های بسیاری را در مبارزه با استکبار جهانی برای امت اسلامی به ویژه جبهه مقاومت پدید خواهد آورد.

فرياد خونخواهی در مراسم تشييع به مثابه اعلام

آمادگی برای مشارکت در فرآیند تحقق آن است.



پس از گذشت چند ماه از شهادت حماسی و جانسوز رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی، سرانجام انتظارها به سر رسید و زمان تشييع پیکر مطهر ایشان فرا رسید. این وقفه، بغض‌های فروخورده و اراده‌های متراکم را برای یک حضور تاریخی و بی‌نظیر آماده‌تر ساخته است. در این آوردگاه عظیم، آنچه بیش از هر چیز طنین‌انداز خواهد شد، فرياد بلند و قاطع «خونخواهی امام شهيد» است؛ چرا که در برابر عظمت این داغ، تنها مرهمی که می‌تواند سنگینی این مصیبت را تا حدودی بر جان امت سبک کند، تقاصِ خون به‌ناحق ریخته‌شده‌ی آن قائد بزرگ است.

در این مراسم، یکایک افراد حاضر، خود را صاحب‌عزا و مصیبت‌زده‌ی اصلی این رخداد تلخ می‌دانند. این غم بزرگ، در نگاه آحاد مردم، تشریفات نیست؛ بلکه غمی از جنسِ از دست

دادنِ عزیزترین عضو خانواده است. به همین دلیل، مطالبه‌ی افراد حاضر در تشييع، یک درخواستِ هویتی برای «انتقام و خونخواهی» است. در منطقِ امتِ وفادار، سکوت و پاسخ نامتناسب در برابر چنین جنایتی، معادلِ پذیرشِ ذلت و پشت کردن به آرمان‌هاست.

از سوی دیگر، این اراده‌ی جمعی تنها به یک مطالبه‌ی زبانی محدود نمی‌شود. هر یک از آحاد ملت که توانایی و ظرفیتی در وجود خود می‌بینند، مشتاق است تا در فرآیند پیچیده و چندلایه این خونخواهی مشارکت عملی داشته باشد. از نخبگان و دانشگاهیان تا نیروهای میدان، همه و همه دوست دارند جزو کسانی باشند که در این انتقام سخت و تاریخی، نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند.

از این روست که بایک نگاه تحلیلی، نباید فريادهای خونخواهی در مراسم تشييع را صرفاً به تخلیه‌ی هیجانات مقطعی توده‌ها تقلیل داد. این فريادهای رسا و کوبنده، در حقیقت اعلام آمادگی همه‌جانبه برای مشارکت در فرآیند تحقق خونخواهی است. این حضور حماسی، یک رفتارندوم ملی برای حمایت از هرگونه اقدام قاطع در برابر مستکبران است و به اتاق فکرهای دشمن مخابره می‌کند که ترور یک رهبر، ساختار حکمرانی را دچار فروپاشی نمی‌کند؛ بلکه در یک الگوی مترقی از تعامل حاکمیت و مردم، پیوند امت را در مسیر مبارزه به یک نیروی متراکم و انتقام‌جو تبدیل خواهد ساخت که تا زمان تحقق وعده‌ی صادق، از پای نخواهد نشست.